بازیگر «هامون» پس از ۱۶ سال به سینما بازگشت

خبر آنلاین: امراله صابری، پس از ۱۶ سال دوری با فیلم سینمایی «لامینور» ساخته داریوش مهرجویی به سینما باز می‌گردد. این فیلم پنجمین همکاری این بازیگر با مهرجویی است. صابری، بازیگر پیشکسوت سینمای ایران پس از ۱۶ سال دوری از سینما مقابل دوربین داریوش مهرجویی خواهد رفت. این فیلم قرار است پنجمین همکاری صابری با این فیلم‌ساز موج نوی سینمای ایران پس از فیلم‌های «پستچی»، «دایره مینا»، «مدرسه‌ای که می‌رفتیم»، «هامون» باشد. علی نصیریان، سیامک انصاری، علی مصفا، پردیس احمدیه، مهرداد صدیقیان، کاوه آفاق و عزت‌اله رمضانی‌فر از بازیگران قطعی این فیلم هستند.

«رد داده قلبم» به بازار آمد

ایسنا: امیر کیانی، خواننده جوان موسیقی پاپ، نخستین قطعه رسمی خود را با همکاری ناصر زینعلی و پریسا دلفانی منتشر کرد. کیانی، درباره فعالیت‌های خود در عرصه موسیقی پاپ گفت: از پنج سال گذشته فعالیتم در عرصه موسیقی پاپ را آغاز کردم؛ اما به دلایلی تا به امروز اثری را به صورت رسمی منتشر نکردم و نخستین همکاری من در این عرصه با ناصر زینعلی رقم خورد و حاصل این همکاری انتشار قطعه رد داده قلبم شد. اکنون هم مشغول تولید دیگر آثارم هستم و امیدوارم بتوانم با همکاری افراد شناخته شده و با تجربه این عرصه حضوری موفق داشته باشم.

پیش «به سوی ستارگان» با برد پیت

ایلنا: «به سوی ستارگان» فیلم تازه «برد پیت» است که در جشنواره فیلم ونیز روی پرده رفت و تحسین‌برانگیز شد. این فیلم از دیروز در آمریکای شمالی اکران عمومی شده است. در راستای اکران عمومی فیلم پوستر تازه فیلم هم منتشر شد. این فیلم محصول کمپانی هالیوودی فاکس است. فاکس در چند وقت اخیر اثر مورد توجهی به بازار سینما ارائه نکرده است و امید دارد «برد پیت» و فیلم جدیدش راهی به سوی موفقیت پیدا کنند و آن‌ها را از مخمصه نجات دهند. بر اساس پیش‌بینی‌ها این فیلم فروش خوبی خواهد داشت اما انتظار نمی‌رود که رکوردشکن ظاهر شود.

هفت

آشنایی با هم‌وطن‌های ارامنه هنرمند در «هیسپان‌تی‌وی»

نسل فردا: برنامه «ایران» در هیسپان‌تی‌وی مستندی گزارشی است که هر هفته با معرفی جاذبه‌های فرهنگی، تاریخی و باستانی و جغرافیایی شهرهای ایران تلاش دارد تا آشنایی دوباره‌ای با ایران و فرهنگ غنی ایرانی به وجود آورد و این هفته هنرمندان اقلیت ارمنی کشورمان را معرفی خواهد کرد.
سمانه کچوئی، خبرنگار برنامه «ایران» در گزارشی ده دقیقه‌ای هنرمندان ارمنی ایرانی را معرفی می‌کند.

واکنش کانون کارگردانان به قاچاق فیلم «رستاخیز»

فارس: کانون کارگردانان سینمای ایران از انتشار غیرقانونی فیلم سینمایی «رستاخیز» در سایت‌های اینترنتی ابراز تأسف کرد و خواستار آن شد تا این فیلم امکان اکران عمومی بیابد. انتشار غیرقانونی نسخه عربی فیلم «رستاخیز» به کارگردانی احمدرضا درویش، واکنش‌های زیادی را در بین فیلم‌سازان و مسئولان سینمای کشورمان برانگیخت.

پس گرفتن یک جایزه ادبی به‌دلیل حمایت از فلسطین

ایسنا: جایزه ادبی «نلی زاکس» که به نام شاعر آلمانی برنده نوبل برگزار می‌شود امسال «کامیلاشمسی» نویسنده بریتانیایی-پاکستانی را به عنوان برنده نهایی خود اعلام کرده بود؛ اما پس از چند روز و در تصمیمی عجیب، هیئت داوران آلمانی این جایزه ادبی اعلام کرد، به سبب نقش این نویسنده در بایکوت اسرائیل و فعالیت‌هایش در حمایت از مردم فلسطین از تصمیم خود صرف‌نظر کرده و جایزه ۱۵ هزار یورویی را به این نویسنده نخواهد داد!

آغاز پخش «دیوار» در آی‌فیلم۲

نسل فردا: با پایان یافتن مجموعه «رهایی»، پخش سریال «دیوار» از یکشنبه ۳۱ شهریورماه آغاز می‌شود. این سریال اجتماعی‌پلیسی محصول سال ۱۳۹۱ و به‌قلم سعید نعمت‌اله است.
آتیلا پسیانی، مهدی سلطانی، فریبا کوثری، مهرداد صدیقیان، کامران تفتی، تینا آخوندتبار، جمشید صفری، حمیدرضا هدایتی، الهه حسینی و... در آن ایفای نقش کرده‌اند. «دیوار» رأس ساعت ۱۸ به‌وقت کابل و تهران و ۱۸:۳۰ به‌وقت دوشنبه تاجیکستان روی آنتن می‌رود.

رقابت ۱۵ فیلم کوتاه ایرانی در جشنواره‌ای ایتالیایی

ایرنا: جشنواره بین‌المللی فیلم Sedicicorto که امسال شانزدهمین دوره خود را در شهر Forli ایتالیا برگزار می‌کند، در سال ۲۰۰۴ با هدف ارائه دیدگاه به نویسندگان جوان و دادن فرصتی برای دیدار و تبادل نظر بین متخصصان صنعت فیلم آغاز به‌کار کرده است. این جشنواره فیلم‌سازان را از سراسر جهان در بخش‌های فیلم کوتاه داستانی، انیمیشن، مستند، ... و بخش Iran Fest، به رقابت فرامی‌خواند.

فیلم‌سازان همدانی با «تاناکورا» به ایتالیا می‌روند

ایرنا: رئیس انجمن سینمای جوان همدان گفت: فیلم کوتاه «تاناکورا» ساخته هنرمندان همدانی برای حضور در شانزدهیمن جشنواره سدیکیکورتو (Sedicicorto) به ایتالیا می‌رود. حبیب‌اله حیدری گفت: کار نویسندگی و کارگردانی فیلم کوتاه «تاناکورا» را حامد پریزاده، سیدمیثم حسنی و امیررضا رشتی به عهده داشته‌اند.
وی اضافه کرد: امید سلیمی، رضا شیخ‌انصاری، مریم الهامیان، نوید معارفی و پویا سعیدی از بازیگران این فیلم هستند.
حیدری گفت: «تاناکورا» با حمایت انجمن سینمای جوان همدان ساخته شده و برای شرکت در شانزدهمین جشنواره سدیکیکورتو (Sedicicorto) به ایتالیا می‌رود. این فیلم برنده تندیس بهترین فیلم‌نامه و دیپلم افتخار بهترین کارگردانی از جشنواره بین‌المللی فیلم کوتاه دانشجویی نهال ۹۸ شد.

گفت‌وگوی اختصاصی با «دکتر ناصر پروانی» شاعر و نویسنده درباره ترانه امروز:

خواننده‌های «تاریخ مصرف‌دار»، زبان فارسی را می‌کوبند

مریم داوری / گروه فرهنگ و هنر
M.Davari@gmail.com

به‌کارگیری ترانه‌های سخیف، به‌مرور سلیقه مردم را پایین می‌آورد. استفاده از ترانه‌های بی‌محتوا در آواز، روندی فرسایشی با شیب ملایم بوده که زبان فارسی را نشانه گرفته است

از عکس: نسل فردا

«ترانه» به شعری گفته می‌شود که خواننده آن را منطبق با قواعد موسیقیایی اجرا می‌کند. درون‌مایه ترانه معمولاً احساسی و عامیانه است. ترانه، بهتر است از وزن عروضی و قافیه برخوردار باشد و باید موسیقی و یک موضوع خاص داشته باشد. در ابتدای دوره معاصر که تنها موسیقی ردیفی و دستگاهی بود، ترانه‌ها به شکل سبک عراقی و به پیروی از حافظ و سعدی سروده می‌شد و تا مدت‌ها این قالب ترانه تغییر نکرد. در آغاز دهه پنجاه با تولد موسیقی «پاپ»، موج نویی از ترانه بیرون آمد که به زبان محاوره‌ای مردم نزدیک بود. در دهه‌های اخیر با ورود چهره‌های جدید به عرصه موسیقی، ترانه نیز دستخوش تغییرات زیادی قرار گرفت و ما با به‌اصطلاح اشعار زیادی مواجه هستیم که نه از قواعد ادبی ترانه برخوردار هستند، نه از محتوا و نه حتی می‌توان آن‌ها را شعر نامید. به بهانه روز شعر و ادب فارسی گفت‌وگویی با دکتر «ناصر پروانی»، شاعر و نویسنده درمورد ترانه‌های امروز و تأثیر آن‌ها روی زبان و ادبیات فارسی ترتیب دادیم که بدین شرح است:

وضعیت ترانه‌های به‌کاررفته در موسیقی‌های امروز را چطور ارزیابی می‌کنید؟

طی ۱۰، ۱۲سال گذشته، رشد فزاینده و شتاب‌زده خوانندگان را داشتیم. در راستای این رشد باید افزایش تولید محتوا می‌داشتیم. باید اشعار و ترانه‌هایی باشد که آهنگ‌سازان و خوانندگان روی آن‌ها کار کنند و ملودی و ترانه مناسب را بسازند. این رشد فزاینده خوانندگان باعث شد تقاضای بازار برای گرفتن ترانه زیاد شود. تولید محتوایی وجود نداشت و یک سری اشعار که نمی‌شود اسم آنها را شعر گذاشت و بهتر است بگوییم «نوشتاری با عیار پایین» انتخاب شد. این نوشتارها که برای ترانه انتخاب شدند، فاقد محتوا و ظرایف شعری بودند. در نتیجه سطح آنچه بعضی از خوانندگان جوان می‌خوانند بسیار بسیار پایین است. حتی اگر با خوانندگان دیگر کشورها مقایسه کنیم، می‌بینیم که ترانه‌های آن‌ها واجد احساس و ظرایف شعری و محتواست.

چه عواملی موجب استفاده از ترانه‌های بی‌محتوا شده است؟

متاسفانه ذائقه فرهنگی و ادبی مردم پایین آمده است. خوراک موسیقی که در ۱۰، ۱۵ سال اخیر به مردم داده شده است، سطح و عیار اغنای آن‌ها را پایین آورده است. زمانی وقتی ترانه گوش می‌دادیم، علاوه بر ریتم و ملودی به شعر هم توجه می‌کردیم. الان شعر در موسیقی گم شده و فقط ریتم است؛ برای همین اگر هم ناسزا بگویند، مشخص نمی‌شود. آن‌قدر خوراک نامناسب به مردم داده شده است و آن‌قدر این موسیقی‌ها را شنیدند که دیدشان تغییر کرده و فکر می‌کنند، ترانه همین است. به ۳۰سال قبل که برگردیم، می‌بینیم غنای ادبی در ترانه‌ها وجود داشته است. الان ذائقه ادبی مخاطبان پایین آمده است و ترانه قوی انتخاب نمی‌شود. ترانه ضعیف خواسته و ناخواسته مخاطب دارد.

آیا ترانه بامحتوا نداریم یا کم داریم که مورد استفاده قرار نمی‌گیرد؟

«باباطاهر عریان» دو بیتی‌هایی دارد که مادربزرگ‌ها به صورت لالایی برای ما می‌خواندند. تمام آن‌ها ترانه است. ترانه، تازه به‌وجود نیامده است؛ بلکه در ادبیات ما ریشه دارد. ترانه از دیرباز در تعزیه و مداحی‌ها استفاده می‌شده و ریشه ادبی دارد. متاسفانه در سال‌های اخیر افزایش خوانندگان یک روزی که به آن‌ها «تاریخ مصرف‌دار» می‌گویم را شاهد بودیم. این خوانندگان به مردم خوراک بد دادند و مردم هم عادت کردند. ترانه‌ها عموماً شبیه هم و برخی هم خنده‌دار شدند. در نسل جدید استاد ماناباد «افشین یدالهی» ترانه‌های زیادی داشت و نشان داد ترانه می‌تواند به زبان محاوره باشد، اما تشبیه و غنای ادبی هم داشته باشد. متاسفانه ما مثل یدالهی‌ها کم داشتیم و کم پرورش دادیم.

چه پیشنهادی برای خوانندگان درباره استفاده از ترانه‌ها دارید؟

درمورد ترانه، آهنگ‌سازان تصمیم‌گیرنده هستند. کماکان غزل‌های قوی در شعر کلاسیک داریم که می‌توانند مورد استفاده آهنگ‌سازان قرار گیرند. در قالب‌های شعر کلاسیک، شعرهای خوب و زیبایی وجود دارد. ای کاش برویم به‌سمت این که از شعرهای کلاسیک به‌عنوان ترانه استفاده کنیم و خوانندگانی مانند چاووشی، همایون شجریان و حجت اشرف‌زاده این را در کارهای خود نشان دادند. این افراد نشان دادند که غزل‌های قوی که تشبیه و صنایع ادبی دارد، می‌توانند به‌عنوان ترانه خوانده شوند؛ به‌شرط این که برای آن‌ها ملودی خوب ساخته شود. از آثار این خوانندگان استقبال خوبی هم شده است. مادامی که افرادی چون یدالهی‌ها بیایند و ترانه خوب و پرمحتوا بسرایند، خوب است از غزل‌های زیبا و شعرهای نو و با محتوا استفاده شود. خواندن غزل به صورت پاپ و سنتی، به‌مراتب سخت‌تر از شعرهایی است که نمی‌شود اسم‌شان را شعر گذاشت. ملودی‌سازی هم برای این اشعار بی‌محتوا آسان‌تر است. همین سمت‌وسو موجب می‌شود که تعداد خوانندگان «یک‌روزه» کم شود.

رواج ترانه‌های سخیف و استفاده آن‌ها توسط خوانندگان و آهنگ‌سازان چه پیامدهایی دارد؟

درواقع با این کار زبان فارسی را می‌کوبیم. شعر فارسی، پشتوانه آواز است. به‌کارگیری ترانه‌های سخیف، به‌مرور سلیقه مردم را پایین می‌آورد. بسیاری از این موسیقی‌ها را اگر ۲۰سال پیش گوش می‌دادیم، می‌گفتیم این‌ها چیست! استفاده از ترانه‌های بی‌محتوا در آواز، روندی فرسایشی با شیب ملایم بوده که زبان فارسی را نشانه گرفته است. در واقع استفاده از چنین ترانه‌هایی منجر به تخریب زبان فارسی می‌شود. با ادامه این روند، دیگر چیزی از زبان فارسی نمی‌ماند و اشعار اصیل ما مهجورتر می‌شوند. حتی شاهدیم که عکس‌نوشته‌ها در فضای مجازی به‌سمت شعرهای بی‌محتوا می‌رود. همه این‌ها دست‌به‌دست هم داده، ذائقه مردم را تغییر می‌دهد. فتوشعرهایی که قبلاً دیده می‌شد، شعرهایی از حافظ، سعدی و شاعران معاصر بود؛ اما الان می‌بینیم این فتوشعرها، تکه‌هایی از ترانه‌های بی‌محتوا هستند. این‌ها پایه‌های زبان فارسی را سست می‌کنند. با این روند دیگر چیزی از شعر و ادبیات فارسی نخواهیم داشت. امروز کسی اشعار مولانا، فردوسی، نظامی و سعدی را نمی‌خواند. حافظ را هم برای فال گرفتن استفاده می‌کنند. تقریباً همه چیز شنیداری شده است؛ چون بشریت به‌سمت کار راحت‌تر می‌رود.

اساتید موسیقی در زمینه حراست از زبان فارسی چه نقشی دارند؟

موسیقی‌دان‌ها به‌خصوص اساتید موسیقی، به‌خاطر حفظ زبان و ادبیات فارسی نباید روی ترانه‌های ضعیف، ملودی بسازند. بارها شده به بنده و سایر دوستان نویسنده، پیشنهاد شده مقدمه‌ای بر کتابی بنویسیم یا آن را بازبینی کنیم، اما آن را به دلیل ضعیف بودن رد کردیم. قرار نیست به خاطر کار خود، عیار زبان فارسی را پایین بیاوریم. همگی به سهم خود باید دغدغه فرهنگ و ادبیات داشته باشیم. گروه آهنگ‌سازها و خواننده‌ها، نجات ادبیات فارسی را باید مدنظر داشته باشند تا این بلبشوی موجود در بازار موسیقی خاتمه یابد.

آموزش

مارگارت اتوود؛ نویسنده آثاری چون «سرگذشت ندیمه» و «وصایا»

باز هم پای «دونالدترامپ» در میان است

«مارگارت اتوود» نویسنده سرشناس کانادایی می‌گوید: رئیس‌جمهور شدن ترامپ به او انگیزه داده است که اثر جدیدش «وصایا» را بنویسد. مارگارت اتوود این روزها از سرشناس‌ترین نویسندگان جهان است. نخست به دلیل اقتباس تلویزیونی موفق از کتاب «سرگذشت ندیمه» که هواداران زیادی در جهان دارد و پس از آن به دلیل نوشتن «وصایا» که نامزد دریافت جایزه بوکر و پرفروش‌ترین کتاب این روزهای بازار کتاب دنیای غرب است. «وصایا» دنباله داستان «سرگذشت ندیمه» را پی می‌گیرد. از آن‌جا که نام دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا این‌روزها در هر موضوع باربط و بی‌ربطی به گوش می‌رسد، دانستن این که او در به وجود آمدن وصایا نقش داشته است، مایه تعجب نیست. مارگارت اتوود اخیراً در یک برنامه تلویزیونی از تأثیر رئیس‌جمهور شدن ترامپ بر نوشتن کتاب «وصایا» پرده برداشته است. مجری این برنامه می‌گوید: «به نظر من کتاب «وصایا» واکنشی به حوادثی است که در سال ۲۰۱۶ روی داد.» اتوود در پاسخ گفت: «حوادث سال ۲۰۱۶ همانند بادی بود که به بادبان کشتی من وزید و آن را به حرکت درآورد. بگذارید این‌طور بگویم. آن رویدادها مرا تشویق به نوشتن کرد.» داستان «سرگذشت ندیمه» زندگی پیچیده ندیمه‌هایی است که برده اربابان قدرت هستند و مورد سوءاستفاده قرار می‌گیرند. مضمون و مفاهیم این داستان در دورانی که دولت ترامپ بیشترین حملات را علیه زنان، مهاجران و اقلیت‌ها انجام می‌دهد، بیش از هر زمانی مربوط به نظر می‌رسد.

کارگردان نمایش «تالار ۴۴۸» عنوان کرد این اثر نمایشی درباره بیمار روانی است که به دلیل تنهایی و مشکلات عاطفی در ذهنش ۴۴۸ شخصیت ساخته است.

قفسه کتاب

ماجرای اشتباهات عمدی در یک اثر هنری

«معسومیت»؛ روایتی تلخ از زوال زندگی اجتماعی

مهر: مصطفی مستور، در هفته پایانی شهریورماه امسال تازه‌ترین رمانش را با عنوان «معسومیت» روانه بازار کرده است. رمانی که نویسنده به عمد در آن برخی از عبارات را با املای ناصحیح خود به کار برده است و همین مسئله منجر به توضیحاتی از سوی ناشر برای برخی مخاطبان که این اشتباه عمدی را سهوی پنداشته بودند نیز شد.
«معسومیت» در میان آثار اخیر مستور از چند منظر قابل توجه است. وی پس از چند اثر گذشته خود که به نوعی جدال وی در به فرجام رساندن شخصیت‌های قبلی آثارش بود، دست به خلق شخصیت‌ها و موقعیت‌های تازه داستانی زده است.
داستان «معسومیت» را می‌توان داستان زوال زندگی اجتماعی به شمار آورد. داستانی که در آن نویسنده تمام مناسبات عادی و عامی شده در تفکر مخاطب خود را به چالش می‌کشد. او جدای از این که در جای جای رمانش و به بهانه‌های مختلف موضوعاتی مانند زندگی، عشق، خانواده، ادبیات وحتی عرفان را به جالش جدی می‌کشد و برای این کار از زبان راویان و شخصیت‌هایی که در دل داستان ظاهراً چندان جدی به ذهن نمی‌آیند در حالی که مشغول بازخوانی بسیار جدی و مهمی از روابط اجتماعی در زندگی هستند. جسارت مستور در این اتفاق زمانی ستودنی‌تر می‌شود که وقتی رمان به پایان می‌رسد متوجه می‌شویم که با نویسنده‌ای به شدت اندیشمند و متفکر در رمان روبه‌رو هستیم که چالش‌های فکری، روانی و اجتماعی عدیده‌ای را برای مخاطبش به همراه دارد.

فیلم کمدی «کاتیوشا» ساخته علی عطشانی دو جایزه بهترین فیلم و بهترین فیلم‌برداری را از جشنواره بین‌المللی «لاو» آمریکا دریافت کرد.

گزارش

سحر طوسی، بلاگر و گردشگر مشهور ایرانی در اصفهان:

عشق، سفر و دیگر هیچ

مریم محسنی / گروه فرهنگ و هنر
Maryam.m@hotmail.com

پس از دورهم‌نشینی اصفهانی‌ها با «منصور ضابطیان» در موزه گرمابه «علیقلی آقا» در نخستین برنامه اصفهان‌گرد و تجربه شبی خاطره‌انگیز پای صحبت‌های مجید عرفانیان در بام خانه تاریخی نظام‌الاسلام یا همان هتل «کریاس»، این بار قرعه فال به نام «سحر طوسی» بلاگر و کارشناس گردشگری افتاد که در سومین برنامه اصفهان‌گرد و برای رسیدن به ۱۰۱ راه برای کشف اصفهان مهمان اصفهانی‌ها باشد. به همین دلیل اداره گردشگری سازمان فرهنگی، اجتماعی و ورزشی شهرداری اصفهان عمارت رکیب‌خانه یا همان موزه هنرهای تزئینی ایران در محور تاریخی دولتخانه صفوی را به عنوان میعادگاه این بزم دل‌انگیز انتخاب کرده بود تا «سحر طوسی» ۳۸ ساله با اصفهانی‌ها بگوید چگونه در هزار توی پر رمز و راز یک شهر سفر کنند.
«پس از سال‌ها تدریس در دبیرستان و ۱۲ سال کار در یک بیمارستان دولتی، یک روز از خودم پرسیدم کجای زندگی خود قرار دارم و چرا دچار رزومرگی شده‌ام و از آن به بعد شغل من این شد که لحظه لحظه عمرم را زندگی کنم و تلاش می‌کنم با آگاهی‌هایی که از سفر کردن و از انسان‌ها به دست می‌آورم، خودم و جهان را فهم کنم». طوسی سخنان خود در سومین برنامه اصفهان‌گرد را این‌طور آغاز کرد و در ادامه از خاطره سفر به عراق گفت. کشوری که برای او ناشناخته بود و این که چطور شنیدن فارسی حرف زدن مادری ایرانی در یکی از خانه‌های عراقی آن هم با لهجه اصفهانی، استرس و احساس غربت او را از قرار گرفتن در محیطی ناشناخته به کلی از بین برده است.
او که کمی ته‌لهجه اصفهانی هم داشت، درباره دلیل آن افزود: در تمام سفرهای خود تلاش می‌کنم زبان و لهجه کشور و شهری که به آن سفر می‌کنم را یاد بگیریم و این درباره سفرم به اصفهان هم صدق می‌کند. در دنیای من جهان از دو راه استدلال، استنتاج، کشف و شهود فهم می‌شود. برای مثال زمانی که شاه‌عباس صفوی پایتخت ایران را از قزوین به اصفهان منتقل کرد، شیخ‌بهایی شهری در کنار بافت قدیمی اصفهان و بر اساس اصول شهرسازی طراحی کرد که هنوز هم جریان دارد. اصفهان در منطقه کویری و کم‌آب قرار دارد و آن‌طور که خوانده‌ام سند تقسیم آب آن به ۲۰۰۰ سال قبل برمی‌گشت و شیخ‌بهایی با بازنگری در آن اقدام به ایجاد مادی‌ها کرد تا آب به تمام طبقات به یک اندازه برسد و حساب‌گری و برنامه‌ریزی برای زندگی از آن زمان در اصفهان جریان داشته است. او گفت: از این‌ها که بگذریم به کشف و شهود می‌رسیم. یک جاهایی از زندگی باید اطلاعاتی که از شهر، مکان، شیء یا شخصی در ذهن داریم و باعث می‌شود روی آن‌ها ارزش‌گذاری و درباره آن پیش‌داوری کنیم را کنار بگذاریم و همیشه پیشنهاد می‌کنم در سفر خود را رها کنیم و حس‌های خود را باز بگذاریم تا شروع به ادراک جهان کنیم.
این گردش‌گر در ادامه به افراد علاقه‌مند به سفر توصیه کرد، به‌جای این که در سفر به یک شهر تلاش کنند از تمام مکان‌های دیدنی آن بازدید کنند، شتاب و بازدید بدون فهم مکان‌های تاریخی و طبیعی را کنار بگذارند و تنها چند مکان را با حوصله ببینند. به گفته او امروزه در جهان روشی با نام گردشگری کم‌شتاب باب شده است و در این سفر به جزئیات بیشتر اهمیت داده می‌شود و ارتباط تنگاتنگی بین مسافر با مردم، فرهنگ، غذا، طبیعت و بناهای تاریخی برقرار می‌شود.
او با بیان این که همیشه کل برابر جزء نیست، تصریح کرد: در سفر به یک شهر باید به چیزهایی غیر از بناها مانند آدم‌ها نیز توجه کنیم. یادم می‌آید در سفر به اصفهان در خیابانی راه می‌رفتم که یک نفر از پشت سر چند بار گفت: «خبر». برگشتم و دیدم پیرمردی اصفهانی با دوچرخه سه‌مار در حال عبور است و زمانی که سؤال کردم فهمیدم که این دوچرخه‌ها بوق ندارد و این اصطلاح برای آگاهی دادن به پیاده‌ها باب شده است. این موارد و حتی شوخ‌طبعی‌های بازاری‌های اصفهان یک امضای شخصی برای شهر اصفهان است که متأسفانه به دست فراموشی سپرده می‌شود. این جهانگرد اضافه کرد: در رفتار و گفتار اصفهانی‌ها به خصوص پیرمردها نکات خاص این شهر وجود دارد که این‌ها امضاهای شهر اصفهان است که باید حفظ شود. پس در سفرهای خود باید به این جزئیات توجه کنیم تا روایت‌ها و روح آن شهر را درک کنیم.
او درباره پیش‌داوری‌هایی که اجازه نمی‌دهد درباره یک شهر و مردم آن به درک درستی برسیم، گفت: تمام ما انسان هستیم و هیچ تفاوتی با هم نداریم و فقط هر کس اعتقادات و باورهای خود را دارد. زمانی که این نکته را در نظر بگیریم می‌توانیم آن شهر و مردم آن را فهم کنیم. این جهانگرد خاطرنشان کرد: راه سفر در هزار توی یک شهر از آدم‌های آن می‌گذرد و از طریق آن‌ها می‌توانیم در یک شهر سفر کنیم، بناها را بشناسیم، قصه‌های آن‌ها را بشنویم و از طریق این شناخت، در نهایت خودمان را هم بشناسیم.